



هرزه نگاری کودکان و اینترنت

حقوق و رویه عملی در قلمرو فضای مجازی

بخش اول - ترجمه: محمد حسن دزیانی

■ حقوق / رویه

نیاز فوری به تدابیر هماهنگ علیه پورنوگرافی کودکان احساس می شود و حقوق بایستی بخشی و جزئی از مداخلات لازم باشد. در سطح بین المللی، اغلب اجماع عمومی در خصوص نیاز به حمایت کودکان در برابر تهدید پورنوگرافی کودکان و تأکید بر حقوق آنها وجود دارد. کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک، به عنوان یک موافقت نامه بین المللی کلیدی در این موضوع، در سطح جهانی توسط جامعه بین المللی تصویب شده است. ماده ۳۴ کنوانسیون بیان می کند که «دول عضو حمایت از کودکان در برابر همه اشکال استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی را تعهد می کنند. برای این منظور، دول عضو بایستی به ویژه همه تدابیر ملی، دوجانبه و چندجانبه مناسب برای پیشگیری از موارد زیر را اتخاذ کنند: الف) اغوا یا اجبار کودک برای تشویق به فعالیت جنسی غیرقانونی، ب) استفاده استثمارگرانه از کودکان برای فحشاء یا دیگر اعمال جنسی غیرقانونی، ج) استفاده استثمارگرانه از کودکان در نمایش ها و موارد پورنوگرافیک».

اینترنت به مجازات شش سال زندان محکوم شد. هزاران صفحه مواد پورنوگرافیک در فایل های او پیدا شد. در ۱۹۹۷ عملیاتی تحت عنوان عملیات بی ضرر (OII)، عملیات ضربتی در زمینه پورنوگرافی کودکان، در ایالت متحده انجام شد که منجر به ۹۰ مورد جلب و ۸۰ مورد محکومیت شد. در همان سال، حملات پلیس به هسته های شبکه های بچه بازی (پدوفیلی) در فرانسه منجر به محکومیت چند مظنون شد. در نیوزیلند، روی کامپیوتر یک فرد پدوفیل حدود ۳۵۰۰ مورد پورنوگرافی کودکان، همراه با تصاویر جماع با حیوانات و شکنجه، یافت شد.

موقعیت زمانی پیچیده تر می شود که استثمارگران جنسی کودکان، زمینه های جدید برای عملیات خود در جایی بیابند که به صورت توده عظیم در یک محل خاص باشد. از حیث فنی، آنها، البته، هوشمندتر نشده اند. با افزایش کدهای گمراه کننده برای کوشش در جهت «رمز گذاری» اطلاعات، آنها توانایی تبادل پیام های مطمئن و به شکل پنهان را می یابند تا از این طریق، کانال های ارتباطی خود را از دسترس مأموران قانون دور نگه دارند.

اینترنت برقرارکننده ارتباط عظیم و سنگین بین شبکه های کامپیوتری در قلمروی فاقد مرز فضای مجازی است. اینترنت یک عنصر کلیدی در کنار پروسه جهانی شدن است، در جایی که پیشرفت های تکنولوژی، دستیابی به اطلاعات را سریع تر، اساسی تر و وسیع تر کرده است. اینترنت دارای امکاناتی بدون محدودیت در گشودن حوزه های جدید دانش و ارتباطات در سطح دنیا است.

نکته مسأله برانگیز این است که این تکنولوژی ساخته بشر، خشی است. در بهترین حالت، ابزار پیشرفتی است که دارای منافع چندگانه برای نوع بشر است. در بدترین حالت، تمایلات سوء و غیر انسانی برخی، متأسفانه آن را به عنوان ابزار سوءاستفاده و استثمار در آورده است. هرزه نگاری کودکان از طریق اینترنت بیان گر لبه تاریک تر ماهیت بشر در جایی است که تکنولوژی ابزاری برای انجام رویه های غیرانسانی، خطرناک و موهن و به علاوه ابزار جرم می شود.

مثال های چنین جرایمی فراوان است. مثلاً در ۱۹۹۶ یک کشیش در بریتانیا برای گردآوری و تبادل پورنوگرافی کودکان با دیگران از طریق

اجرای کنوانسیون از طریق گزارش‌هایی از کشورهای عضو نظارت و پی‌گیری می‌شود، آن‌ها این گزارش را به کمیته بین‌المللی حقوق کودک برای ارزیابی و اظهار نظر می‌فرستند. همچنین یک سازوکار موازی به شکل گزارش ویژه برای فروش کودکان وجود دارد که ارزیابی مستقل از موقعیت جهانی و گزارش‌های سالانه برای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را مقرر می‌دارد. در ۱۹۹۶، جامعه جهانی در استکهلم برای کنگره جهانی علیه استثمار جنسی کودکان تشکیل جلسه داد و یک بیانیه و یک دستور جلسه برای کنگره جهانی برای جرم شناختن اعمال کسانی تعیین و مقرر کرد که به استثمار جنسی کودکان مخصوصاً در رابطه با فحشاء کودکان، پورنوگرافی کودکان و قاچاق برای اهداف جنسی مشغول‌اند. در بین تدابیر موافقت شده موارد زیر قابل ذکر است:

«ب) توسعه یا تداوم و اجرای قوانین ملی برای برقراری مسؤلیت کیفری تهیه‌کنندگان خدمات مصرف‌کنندگان (مشتریان) و میانجی‌ها در زمینه فحشاء کودکان، قاچاق کودک، پورنوگرافی

کودک، از جمله در اختیار داشتن پورنوگرافی کودک و دیگر فعالیت‌های جنسی غیرقانونی،

ج) توسعه یا تداوم و اجرای قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های ملی که به حمایت از کودکان بزه‌دیده استثمار جنسی تجاری در برابر مجازات شدن به عنوان

مجرم می‌پردازد و اطمینان یافتن از این که آن‌ها دستیابی کامل به «پرسنل دوست‌با کودک» و خدمات حمایتی در همه بخش‌ها، و به ویژه در زمینه‌های قضایی، اجتماعی و بهداشتی دارند،
د) در مورد توریسم سکسی، گسترش، تأکید و اجرای قوانین برای جرم شناختن اعمال اتباع کشورهای مبدأ، زمانی این اعمال علیه کودکان در کشورهای مقصد ارتکاب می‌یابند («قوانین کیفری فرا سرزمینی»). تشویق استرداد و توافق‌نامه‌های دیگر برای اطمینان از این که شخصی که کودکی را برای اهداف جنسی در کشور دیگر استثمار می‌کند (کشور مقصد)، در کشور مبدأ یا کشور مقصد تحت تعقیب قرار گیرد، قوانین مؤکد و اجرای قانون، از جمله مصادره و توقیف دارایی‌ها (امکانات) و عواید و دیگر ضمانت‌اجراها، علیه کسانی که مرتکب جرایم جنسی علیه کودکان در دیگر کشورها می‌شوند، و مشارکت در داده‌های مربوطه.

دوره بعد از کنگره استکهلم شاهد پیشرفت‌های بسیاری در چند کشور بوده، از جمله پذیرش

قوانین جدید علیه پورنوگرافی کودک و دیگر شکل‌های استثمار جنسی، تصویب قوانین فراسرزمینی برای مبارزه با استثمار جنسی، اقدام به تعقیب و محکومیت مظنونان و رویه واکنشی‌تر نسبت به کودکان، از جمله از سازمان‌های منطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌حکومتی جهانی همچون اینترپل و یونیسف. بخش غیرحکومتی، اقدامات مبتکرانه و سازنده‌ای از حیث اجرا و اصلاح تقنینی انجام داده است. در این جنبه، نباید فراموش کرد که کنگره استکهلم اساساً زاینده یک سازمان غیرحکومتی به اسم اکپات (پایان بخشیدن به فحشاء کودکان، پورنوگرافی کودکان و قاچاق کودکان برای اهداف جنسی) است.

پیشرفت‌های ناظر به قوانین و اجرای آن موضوع ملاحظات زیر هستند:

۱- بیشتر کشورها دارای قوانینی هستند که می‌تواند علیه پورنوگرافی کودکان استفاده شود و آنها می‌توانند بدین گونه تفسیر شوند که شامل پورنوگرافی کامپیوتری، از جمله در اینترنت هستند. اغلب، مسأله

در کد کیفری یا قوانین مربوطه (کیفری) تبیین شده است. به هر حال، برخی کشورها به سوی گزینش قوانین اختصاصی علیه پورنوگرافی کودکان حرکت کرده‌اند که وضوح بیشتری نسبت به مسأله در بسیاری کدهای کیفری با قدمت که قبلاً برای

اینترنت طراحی شده داراست. یک مثال اخیر تیب اختصاصی تر قوانین پیشنهادی ایرلند در ۱۹۹۷ برای قانون قاچاق و پورنوگرافی کودکان است. جالب این که، این قانون پیشنهادی شامل پورنوگرافی کودک در کامپیوتر است عیناً به شکل زیر است:

«۲ (۱)

«پورنوگرافی کودک» یعنی

(الف) هر نمایش بصری

(i) که نشان‌دهنده شخصی است که کودک است یا به نظر می‌رسد کودک باشد و کسی که به کار گرفته شده یا به نظر می‌رسد به کار گرفته شده صراحتاً در فعالیت جنسی، یا

(ii) اوضاع و احوال بیانگر نمایش به قصد جنسی آلت جنسی زنانگی یا مقعدی کودک باشد،

(ب) هر نمایش سمعی شخصی که کودک است که به نظر کودک می‌رسد و شخصی که به کار گرفته شده یا به نظر می‌رسد به کار گرفته شده برای فعالیت جنسی صریح، یا

(ج) هر نمایش سمعی یا بصری که فعالیت جنسی

غیرقانونی با کودکان را، پیشنهاد می‌دهد، تشویق می‌کند یا مشورت می‌دهد، فارغ از چگونگی یا کیفیت واسطی که نشان‌دهنده اغوای انجام شده باشد، بدون پیش‌دآوری نسبت به عواقب کار، از جمله نمایش موارد ناشی از گرافیک‌های کامپیوتری یا از طریق ابزار مکانیکی یا الکترونیکی. . . .»

۲- سن حمایت از کودک در قبال پورنوگرافی کودک بر حسب کشورهای مربوطه دارای تنوع است. بیشتر کشورها هنوز قایل به ارتباط داخلی بین استثمار جنسی و سن رضایت جنسی هستند. به عبارت دیگر، آنها هنوز موقعیت را از این منظر می‌بینند که کودک، به واسطه قانون ملی، می‌تواند در نظر گرفته شود که رضایت نسبت به عملی جنسی دارد و این که سن رضایت در تعدادی کشورها بین سن ۱۲ و ۱۶ در نوسان است. به هر حال از منظر حمایت کودک از استثمار جنسی، پیشنهاد شده که عامل رضایت جنسی مؤثر نباشد. زمانی که سوءاستفاده از کودک توسط بزرگسال انجام می‌شود، این متفاوت است از اوضاع و احوال معمول یک کشف جنسی کودک که مربوط به مسأله سن رضایت جنسی می‌شود. از حیث حمایت کودک از چنین استثماری، ترجیح داده شده سن حمایت ۱۸ سال باشد، اما تعدادی کشورها اخیراً این سن را پایین‌تر از ۱۸ سال در نظر گرفتند. این خلأ و راه فرار نیازمند تدبیر و اصلاح قوانین است.

۳- برخی قوانین ملی شامل پورنوگرافی کاذب و ساختگی مربوط به پورنوگرافی کودکان نمی‌شود یا نسبت به آن دارای وضوح نیست. این پورنوگرافی معمولاً شامل تجسم کودک است حتی اگر عملاً درگیر در صحنه فیزیکی نباشد. این تصاویر شبیه سازی شده کودکان توسط کامپیوتر خلق می‌شود یا بخش‌هایی از کودک عملاً با بدن یک بزرگسال در تماس قرار می‌گیرد. در حالی که برخی کشورها، همچون بریتانیا، در سال اخیر قانون خود را تغییر داده به گونه‌ای که شامل پورنوگرافی کاذب و ساختگی کودک (pseudo-child) می‌شود، دیگر کشورها همچون فرانسه و بلژیک، هنوز از این دیدگاه در انتظار اصلاحات لازم از این هستند.

۴- در حالی که بیشتر کشورها تولید و توزیع پورنوگرافی کودک را منع می‌کنند، تعدادی کشورها هنوز تصرف و در اختیار داشتن پورنوگرافی کودک را ممنوع نکرده‌اند. مسأله و شک نسبت به جرم در اختیار داشتن پورنوگرافی کودک گناه (در زمان‌های مختلف) به عنوان تعارض بین آزادی بیان و حقوق کودک دیده می‌شود. در واقع تعرض واقعی از این حیث وجود ندارد، همان‌طور که آزادی بیان، حقی مطلق نیست و معمولاً به وسیله قوانین افترا و دیگر ملاحظات نظم عمومی، از جمله حمایت کودکان مقید و محدود می‌شود.

جالب این که، حقوق آلمان امکان کمبود زمان برای گزارش موقعیت تأثیرگذار بر صنایع را نیز مقرر داشته است.

۷- در برخی کشورها، صنعت اینترنت، به ویژه (ISP)، اکنون تشویق می‌کند به خود قاعده‌مندسازی، به عنوان ابزار و طریق تواناسازی صنایع برای نظارت، مسؤلیت و محاسبه بهتر شده است. . . این موجب یک رهیافت «حقوق نرم» یا «سیاسی» با بررسی و تجدیدنظر صنایع می‌شود به جای اینکه رهیافت «حقوق سخت» بر مبنای قانون و مداخله دولتی دنبال شود. چنین خود-قاعده‌سازی ممکن است به معنای کد رفتاری تعیین‌کننده اخلاق صنایع باشد. این کار ممکن است از طریق مکانیسم‌های شکایت، همچون خطوط آتش یا hot lines و مرور اطلاعات در صورت تقاضا کامل شود. این کار ممکن است بر مبنای سازوکار مبتنی بر

پورنوگرافی کودک باشد) به کاربران نهایی منتقل می‌کنند که در این صورت درجه‌ای از مسؤلیت برای ISP ها تعیین می‌شود.

برخی کشورها اقدام به تصویب قوانینی کرده‌اند که بر اساس آن زمانی ISP ها مجرم تلقی می‌شوند که آنها عمداً اقدام به ارائه و انتقال پورنوگرافی کودک کنند یا با بی احتیاطی موجب آن شوند. در عین حال ISP ها باید به جست و جوی مطالب پورنوگرافیک در اینترنت در حد توان بپردازند و گزینه عمل آنها ممکن است بی‌مبالاتی تلقی شود. . . این عقاید و انگاره‌ها به طور مصداقی توسط قانون خدمات ارتباطات و اطلاعات آلمان به صورت زیر تشریح شده است:

- مسؤلیت کامل برای تهیه‌کنندگان (ISP) که محتوای خود را در شبکه ارائه می‌کنند، فرض شده است.
- مسؤلیت مشروط برای تهیه‌کنندگان (ISP) که

همان‌گونه که توسط بیانیه استکهلم در بالا بیان شد، اجماع بین‌المللی برای جرم شناختن و در اختیار داشتن پورنوگرافی کودکان وجود دارد و کشورهایایی که هنوز به اصلاح قوانین خود نپرداخته‌اند، دعوت به این کار شده‌اند.

۵- بایستی درباره این بحث دقت شود که مداخله دولت و قاعده‌مندسازی وسیع اینترنت را پیشنهاد می‌کند زیرا ممکن است مبنای حرکت‌های مستدانه یا پدرسالارانه شود. مثلاً، اجبار کاربران اینترنت برای تهیه یک مجوز (لیسانس) از مقامات می‌تواند به صورت قانونی تصویب شود و حتی این کار موجب جلوگیری از پورنوگرافی کودک می‌شود، اما بیشتر کشورها این چنین قانونی را ندی‌پذیرند زیرا آن را ابزار حکومت‌های غیردموکراتیک برای آزادی بیان و عقیده، حق حریم خصوصی و حق دستیابی به اطلاعات تلقی می‌کنند. به هر حال کشورهای دموکراتیک کمی یافت می‌شوند که اقدام به پذیرش این رهیافت مجوز اجباری برخلاف سیر و رویه و عقیده عمومی و اجماع بین‌المللی کرده‌اند.

در سوی دیگر، تجربه آمریکا را نیز باید به خاطر داشت برای وضع قانون برای منع موارد «وقیحانه» و تهاجم آشکار (patently offensive) که در اینترنت قرار می‌گیرد و ممکن است همچنین برای کودکان به عنوان کاربران نهایی مضر باشد. در ۱۹۹۷ دیوان عالی، این قانون را که عنوان آن قانون اخلاقی و غیروقیحانه بودن ارتباطات ۱۹۹۶ است رد کرد زیرا محتوای این قانون را در تعارض با حق اساسی آزادی بیان (مذکور در قانون اساسی) می‌دانست. در این کشور اعتقاد بر این است که به نفع والدین و جامعه است که فیلتری علیه مواد مجرمانه استفاده کنند به جای این که دولت اقدام محدودیت آزادی بیان کند.

۶- در حالی که مسؤلیت کیفی تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، و انتشار دهندگان پورنوگرافی کودک در فضای خارج از سایبر، در بیشتر کشورها واضح است، اما مسؤلیت گروه جدید میانجی‌ها در شکل تهیه‌کنندگان خدمات اینترنت هنوز در مرحله بحث و بررسی است، تهیه‌کنندگان خدمات اینترنت بین تهیه‌کنندگان دستیابی به مطالب و محتوای شخص ثالث از یک سو و تهیه‌کنندگان دیگر خدمات همچون ذخیره‌سازی و تهیه محتوای شخص ثالث از سوی دیگر قرار دارند و طیفی میان این‌ها را شامل می‌شوند. طرح و ادعا شده که تهیه‌کنندگان خدمات اینترنت نبایستی مسؤول کل جریان اطلاعات باشند که از طریق آنها تبادل می‌شود. در نقطه مقابل توسط عده‌ای دیگر پیشنهاد شده میزان مسؤولیت برای تهیه‌کنندگان خدمات اینترنت بر این مبنا تعیین شود که بسیاری تهیه‌کنندگان خدمات اینترنت، اطلاعات شخص ثالث را ذخیره می‌کنند یا اطلاعات خود را (که ممکن است شامل



صنعت باشد یا به وسیله یک عضو مستقل با حمایت صنایع برقرار شود. به هر حال، چنین خود-قاعده‌سازی‌ای بایستی بر طبق رویه حقوق و قوانین و منطبق با عدالت ضرورت پذیرد، تا بتوان مورد استفاده در اینترنت برای اهداف غیرقانونی شود و متضمنی حق بررسی آراء علیه آنها باشد. بایستی همچنین تضمینی علیه سانسور وجود داشته باشد.

پیشرفت‌های بریتانیای کبیر به ویژه سازنده است. بریتیش تلکام (BT) دارای سیاست «سلیقه و اخلاق» برای خودش به عنوان یک نوع کد رفتاری شرکت است. در حالی که تأکید بر این است که بریتیش تلکام نبایستی به مراقبت و نظارت اینترنت (به خاطر عدم قابلیت عملی و بی‌میلی و اگره برای تبدیل شدن به عنوان «داور اخلاقی») بپردازد، خواستار نقض عالمانه قانون یا انتقال اطلاعاتی نیست که ممکن است مضر برای کاربران نهایی، از جمله کودکان باشد.

محتوای شخص ثالث را در شبکه ارائه می‌کنند فرض شده است. این تهیه‌کنندگان می‌توانند بعداً مسؤول محتوای غیرقانونی شخص ثالث تلقی شوند تنها با دو شرط: محتوای ویژه بایستی به طور مثبت برای آنها شناخته شده باشد و به طور فنی بایستی عملی باشد و به طور معقول بتواند از آن‌ها انتظار بلوکه کردن چنین محتوای فردی و شخصی را داشت. این شرط عقلایی بودن واضح می‌سازد که یک تهیه‌کننده نبایستی مجبور به هر کوششی رنج‌آوری برای جلوگیری از ارسال واحد محتوای غیرقانونی شود.

■ هیچ مسؤولیتی نمی‌توان برای تهیه‌کنندگانی انتظار داشت که صرفاً دستیابی به محتوای شخص ثالث را مقرر می‌دارند. چنین تهیه‌کنندگانی متفاوت از تهیه‌کنندگان خدمات مخابراتی بررسی و تلقی نمی‌شوند، زیرا دسته اخیر محتوای ارتباطات را نمی‌دانند و در واقع نبایستی بدانند زیرا این امر اقتضای محرمانگی مخابرات است.